

تحلیل کیفی مؤلفه‌های اثرگذار بر معماری معاصر ایران؛ با تأکید بر دوران گذار از مدرنیسم به پست‌مدرنیسم

تاریخ پذیرش مقاله :

۱۴۰۳/۰۷/۲۸

تاریخ پذیرش مقاله :

۱۴۰۳/۱۰/۲۳

امیرداد مصلحت‌جو^۱

مریم قاسمی سیجانی (نویسنده مسئول)

وحید قبادیان^۳بیژن عبدالکریمی^۴

چکیده

تعامل مداوم میان سنت و مدرنیته همچنان جامعه ایرانی را شکل می‌دهد؛ پدیده‌ای که با دگرگونی‌های سریع اجتماعی و فرهنگی در عصر معاصر کشور، پیچیده‌تر شده است. در این بستر، معماری ایران دستخوش تغییرات چشمگیری شده که به ویژه در گذار از الگوهای سنتی به رویکردهای مدرن و پست‌مدرن نمایان است. تأثیر همزمان ارزش‌های سنتی، آرمان‌های مدرنیستی و انتقادات پست‌مدرنیستی، به منظره‌ای ناهمگون و اغلب مبهم در معماری منجر شده که بحران هویت جاری را نه تنها در فرم‌های معماری بلکه در سطح جامعه بازتاب می‌دهد. این پژوهش با اتخاذ رویکردی کیفی به بررسی عوامل تاریخی و اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر تکامل معماری معاصر ایران می‌پردازد. با استفاده از تحلیل تاریخی، دوره‌های گذار کلیدی شناسایی و گفتمان میان تداوم و تغییر بررسی شده است. داده‌ها از طریق مرور منابع کتابخانه‌ای، اسناد آرشیوی و تحلیل آثار معماری از دوره‌های مختلف گردآوری گردیده‌اند. در مرحله تحلیل، کدگذاری تماتیک به عنوان بخش مرکزی روش‌شناسی مورد استفاده قرار گرفت. پس از گردآوری داده‌های کیفی، بخش‌های کلیدی متن شناسایی و کدگذاری باز برای برچسب‌گذاری واحدهای معنادار انجام شد و امکان ظهور مضامینی چون هویت، التقاط، اصالت، زمینه‌گرایی و سازگاری فراهم آمد. سپس، کدگذاری محوری به منظور بررسی روابط و الگوهای میان این مضامین به کار گرفته شد تا فهم عمیق‌تری از نحوه اثرگذاری عوامل درونی و بیرونی بر گفتمان معماری ایران حاصل شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که با وجود تلاش‌ها برای بازگشت به ریشه‌ها و اصالت فرهنگی، گرایش‌های جهانی و تئوری‌های پست‌مدرن، روند دستیابی و بیان هویت منسجم معماری را پیچیده ساخته‌اند. تداوم کشمکش میان بهره‌گیری از الگوهای وارداتی و تقویت سنت‌های بومی، چالشی اساسی تلقی می‌شود. در نهایت، این پژوهش اهمیت روش‌های کیفی و کدگذاری نظام‌مند را در واکاوی گفتمان هویت نشان می‌دهد و درک ظریف‌تری از چگونگی حرکت معماری معاصر ایران میان تداوم، تغییر و چانه‌زنی معنایی ارائه می‌کند.

کلمات کلیدی: سنت، مدرنیته، پست‌مدرنیسم، دوره گذار، معماری معاصر ایران.

^۱ دانش‌آموخته دکتری تخصصی گروه معماری، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

^۲ دانشیار گروه معماری، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. (mghasemi@khuif.ac.ir)

^۳ دانشیار گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۴ دانشیار گروه فلسفه، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

این مقاله، برگرفته از رساله دکتری امیرداد مصلحت‌جو با عنوان «تحلیل دیالکتیک هویت معماری معاصر ایران؛ با تأکید بر خوانش انتقادی پست-مدرنیسم»، به راهنمایی دکتر مریم قاسمی سیجانی و مشاوره دکتر وحید قبادیان و دکتر بیژن عبدالکریمی، در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد انجام پذیرفته است.



۱- مقدمه

در چند دهه اخیر معماری، ساختمان‌ها و عمارت‌های مختلفی با هزینه‌های فراوان ساخته شده است؛ اما یا سازندگانش مدعی هویت‌مندی آن هستند یا منتقدانش آن را بی‌هویت می‌دانند. در چنین شرایطی، نبود معیارهای لازم و تعریف اساسی از مفهوم هویت باعث شده که روشنفکران و روشنفکرمان به طریقی یا داعیه‌دار آن باشد یا منتقدش. حتی گاهی نهادهای دولتی نیز در افسون این واژه گرفتار می‌شوند و هزینه‌های سرسام‌آور ساخت‌وسازهای خود را به دست معماران و طراحانی می‌سپارند که مبلغ هویت‌مندی سازه‌های خود هستند؛ اما در پایان، اثری از دل خاک سر برمی‌آورد که نه هویت دارد و نه حتی ساختاری معمارانه. در معماری فعلی ایران - که (عموماً) برگرفته از نمونه‌های خارجی است - پرداختن به موضوع هویت، در بهترین شرایط، بیهوده است. معماری ایران در دوره‌هایی چنان شکوفا بوده که اکنون می‌توان آن را صاحب هویت دانست. لکن تعریف و معیار این هویت گم شده است (سلطان‌زاده، ۱۳۹۶). این چندگانگی و عدم قطعیت به نوعی باعث آن شده تا با از میان رفتن وحدت رویه، سویه کثرت، به سبب یکسان‌سازی در تمامی یکه‌گی‌ها و تنزل در محتوا و تغییر در مفهوم زمان و مکان و فواصل انتقادی و بروز هم‌زمانی و تقلیل در مراتب، به تضعیف هویت بیانجامد (جاویدصباغیان و سیداحمدی زاویه، ۱۳۹۲). بسیاری هویتی معماری امروز - که در نگاه وحدت‌گرای جامعه به بی‌هویتی تعبیر می‌گردد - هم اکنون می‌رود تا به بحرانی فرهنگی تبدیل گردد (حجت، ۱۳۸۴). اگرچه مدرنیسم، طرحی مدون و معین و غایتی مشخص برای جهان بعد از سنت ارائه می‌کند، لیکن پست‌مدرنیسم، فاقد این اصول تعیین‌شده و مرزبندی‌های روشن است. بر این اساس، نظریات پست-مدرنیسم و نقد آن از مدرنیسم، در مؤلفه‌های عقلانیت، ایدئولوژی، کثرت‌گرایی، تاریخ، رسانه، زبان و تکنولوژی، بررسی می‌گردد. روایت تاریخ‌نگر، ضمن پرهیز از افراط و تفریط دو روایت ناسیونالیسم رومانتیک و مدرن و پست‌مدرن، راه حل میانه‌ای برای بررسی و تحلیل هویت ایرانی برگزیده و بر آن است تا هم از نظر تحلیل و هم از لحاظ تاریخ، بین هویت تاریخی و فرهنگی ایرانی و هویت ملی ایرانی، تمایز قائل شود (اشرف، ۱۳۹۱). دفاع از پست‌مدرنیسم نیز تا حدود زیادی نشأت‌گرفته از همین انگیزه‌های سیاسی و اجتماعی، و دستاویزی برای نقد وضعیت موجود معماری است. حال از آن‌جا که معنا دغدغه اصلی در معماری پست‌مدرن است (Harries et al., 2024) و محصول تکنولوژیک، عنصری مستقل از معنا و دلالت ایدئولوژیک است که می‌تواند مستقل از زمان، در خدمت مدرنیته باشد (دامیار و ناری قمی، ۱۳۹۱)، بی‌راه نخواهد بود اگر عنوان شود سبک‌ها در معماری دارای ارزش‌هایی هستند که بازشناسی آن‌ها فارغ از زمان و مکان، باعث ماندگاری آثار معماری خواهد شد (قبادیان، ۱۴۰۱: ۳۰۹). به عقیده هابرماس، کاربرد «پست» بیش‌تر تداوم جریانی را ثابت می‌کند؛ نه پایانش را (هابرماس، ۱۳۹۲). پست‌مدرنیسم نمونه‌ای پارادایمیک از سبکی است که هم پیشینه مدرنیته در معماری و هم ساخت مدلی یکپارچه و تقلیل‌دهنده از مدرنیسم را مورد نقد قرار می‌دهد (Erjavec, 2024). بدین تعبیر، دگرگونی‌های مفاهیم در پست‌مدرنیسم، مجموعه عظیمی از نیروهای مادی را در بر می‌گیرند؛ که به تغییر ماهیت و کارکردهای فرهنگ (به شکل کلی) و متناظراً به فروپاشی الگوهای فرهنگ مدرن (به شکل خاص)، دامن می‌زند. علل این تغییر و تحولات را می‌توان ذیل موارد تکنولوژی، جهانی‌شدن، مکاتب اجتماعی نوین، کثرت، یکسان‌سازی، ادراکات تغییر یافته، احساسات تقلیل یافته، زمینه‌گرایی و متن‌نویسی، فضاهای استعلایی، بروز هم‌زمانی و انعطاف مکانی، پویایی و پیچیدگی انتزاعی و تضاد زبانی و رسانه‌ای خلاصه کرد (Deleuze, 2017). حال این سؤال مطرح است که اگر پست‌مدرنیسم در معماری - به تبعیت از جامعه‌شناسان و اقتصاددانان - به منزله یک ساخت واقعی و عینی اجتماعی و اقتصادی فهم شود، آیا واقعاً معماری پست‌مدرن در ایران - صرف‌نظر از بحث‌های نظری روشنفکری - شکل گرفته است؟ پاسخ این پرسش، تابع دیدگاه دو گونه خواهد بود:

- معمارانی که تصور می‌کنند هنوز در دوران معماری معاصر می‌توان قائل به وجود ساخت‌ها و هویت‌های مستقل تاریخ-های بومی و قومی بود.

- معمارانی که فهمی خطی از تاریخ معماری دارند. گویی همه جوامع، از مسیر مشخصی عبور خواهد کرد؛ که همانا تاریخ غربی است. لذا سنت را در حاشیه مدرنیته و پست مدرنیته قرار می‌دهند (عبدالکریمی، ۱۳۹۵).

با این تغییرات، یک دوران حیرانی آغاز می‌شود؛ که طی آن، مخاطب ایرانی درست نمی‌داند که جایگاه جدیدش کجا است و چه سامان و آینده‌ای را باید پیش بگیرد (اسلامی ندوشن، ۱۳۹۹) و در این رویارویی، انسان شریعت‌مدار شرقی، مقهور شریعت انسان‌مدار غربی گردیده و هر آن‌چه دارد - از سنت‌ها و باورها و رفتارها و گفتارها - در آزمایشگاه شناخت علمی غرب و با محک و معیار غرب، به سنجش‌گری می‌گذارد. انسان غربی که - به تازگی - دیانت را به کناری نهاده، نیازی به دین شرقی ندارد؛ لیکن همتای شرقی، نیازمند علم و صنعت اوست و شرط این بهره‌مندی، گذشتن از سنت‌ها و باورها! و چنین بود پایان کار جامعه سنتی! جامعه‌ای که انسان در آن غرق حکمت و ایمان بود و بی‌خبر و بی‌نیاز از آن‌چه که در دیگر سوی جهان می‌گذشت، سر در کار خویش داشت (حجت، ۱۴۰۱: ۱۳).

این پژوهش، با هدف تعیین و تحلیل معماری معاصر ایران در گذر از دو دوره گذار سنت به مدرنیته و مدرنیسم به پست‌مدرنیسم، در مطالعه‌ای کیفی به شیوه تحلیل تاریخی، به دنبال پاسخی به این پرسش است که معماری معاصر ایران در چه شرایطی، و متأثر از کدام عامل یا عوامل، تغییر پیدا کرده است؟ به نظر می‌رسد که این معانی پرمدعا و تا حدی متناقض در توضیح پیرامون منطق و دلیل کاربرد فراگیر و شهرت آن و در کنار ابهام و سردرگمی حاصل از این واژگان، ناهم‌گونی آشوب‌برانگیزی را تفسیر می‌کند که در پس اندیشه‌های جهانی‌اش، یک سرمشق، یک جو فکری و مجموعه‌ای از سنت‌های قریب‌الوقوع به‌جامانده از باورها و شیوه‌های برخاسته از فرهنگ را تعیین می‌نماید؛ به رغم آن‌که - خود - نامعین است. لذا ضروری است تا با مرور واقع‌بینانه چرایی وقوع این امر تاریخی، در تفسیری همه‌جانبه، چستی عوامل این رویداد بحران‌ساز، مورد تحلیل قرار گیرد.

۲- مرور ادبیات تحقیق

با شروع جریان‌های فرامردن در معماری جهان - که هم‌زمان با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بود - دو موضوع به موازات هم، دوره جدیدی از معماری را در ایران به وجود آورد: یکی این‌که اصولاً پس از پیروزی انقلاب اسلامی، معماران ایران سعی کردند معماری ایران را به سوی یک معماری با هویت مستقل متکی بر میراث گذشته خود هدایت کنند و دیگر آن‌که مبانی معماری فرامردن نیز توجه جدی به معماری گذشته سرزمین‌ها را مطرح می‌ساخت. این دو موضوع، آثاری در معماری ایران به وجود آوردند که سبک و سلیقه معماری فرامردن را با توجه به عناصر معماری گذشته ایران (به خصوص معماری پس از اسلام) در خود داشت؛ لیکن برخورد آن با معماری گذشته ایرانی، برخورد چنان عمیقی نبود، به خصوص که عناصر کلیشه‌ای معماری فرامردن نیز به وفور در این آثار، به کار گرفته شده بود. به عبارت دیگر، معماری مدرن، پویایی خود را از دست داده و پس از قریب به یک قرن، دیگر حرف تازه و شیوه راه‌گشای جدیدی برای عرضه نداشت؛ ولی بنا بر آن‌چه مشاهده می‌شود اکثر ساختمان‌های جدید، کماکان به سبک مدرن، طراحی و ساخته و از نظر کمیت، حضور سبک‌های دیگر در مقابل معماری مدرن - چه در ایران و چه در سایر نقاط جهان - ناچیز و قلیل است؛ هر چند که این سبک‌ها جدیدتر هستند و امروزه به عنوان سبک آوانگارد محسوب می‌شوند و راه حل‌های نوین برای نیازها و معضلات کنونی ارائه می‌کنند (قبادیان، ۱۴۰۱: ۳۰۵).

چنان‌که رویارویی ایران با تمدن غرب، نوسازی سیاسی و اجتماعی را برای ایران به ارمغان آورد؛ که این توسعه گسترده معماری، ریشه در فرهنگ ایرانی داشت. تحولات نوین ایران معاصر، باعث دگرگونی معماری، و در نهایت، ظهور معماری نوگرایی ایرانی گردید؛ که تا به امروز ادامه داشته است (Diba & Dehbashi, 2004). معماری معاصر ایران، هماهنگ با معماری غرب و تحت تأثیر آن، آثار برجسته‌ای را در سبک‌های متعدد معماری به وجود آورده است. در یکصد و بیست سالی که از عمر معماری معاصر ایران می‌گذرد، ظهور و گسترش دو نوع معماری مشهود بوده است: یکی شیوع سبک‌های مبتذل و پیش‌پاافتاده - که به خصوص از دهه ۱۳۳۰ شمسی تاکنون دوام داشته است - و نوع دوم، اثرات هر چند محدود معماری معماران توانمند این سرزمین، که در دوران مختلف تاریخ معاصر ایران - اعم از قاجاریه، پهلوی و دوره بعد از انقلاب اسلامی - آثار مهم، آموزنده و قابل تحسینی را از خود به جای گذاشته‌اند. (اعتصام، ایرج، ۷ دی ۱۴۰۰، مصاحبه شخصی). هم‌زمان که چشم معماران ایرانی بر ایده‌های خارجی گشوده شد و - بعضاً - بدان متکی گردید، جریان هویت ملی - که طرف‌دارانی در میان روشنفکران و دولت‌مردان یافته بود - تأکید داشت که معماری ایرانی باید با شرایط محلی و اقلیمی و مصالح بومی

منطبق و با سنت، سازگار باشد (بانی‌مسعود، ۱۴۰۰). جریان نوین معماری ایران تلاش داشت نوعی معماری بیافریند که در تداوم و تکامل معماری این سرزمین بوده و بتواند جایگاه شایسته‌ای، در معماری معاصر جهان، به خود اختصاص دهد (میرمیران، ۱۳۸۹). ایران در مسیر تاریخ پرتلاطم خود از برهه‌های سرنوشت‌ساز متعددی گذر کرده است. مدرنیزاسیون دوره مهمی در تاریخ ایران است؛ که با دوره اول جنگ‌های ایران و روس (۱۱۸۴ تا ۱۱۹۲ هـ.ش). آغاز و تا پایان عصر سلطنت پهلوی (۱۳۰۴ تا ۱۳۵۷ هـ.ش). ادامه یافته است. این دهه‌های پر آشوب، سرآغاز سلسله‌ای از تغییرات و تحولات اجتماعی و فرهنگی بوده است؛ که نتیجه آن، ظهور ایران مدرن می‌باشد (بانی‌مسعود، ۱۴۰۰). ظهور معماری مدرن به تحول بزرگی در تاریخ معماری جهانی منجر شد؛ چنان‌که با تمرکز بر ایده‌های جدید، جنبه‌هایی از سادگی، کاربرد و پیشرفت در معماری در سراسر جهان ایجاد کرد که بتواند بر اساس منطق و مصالح کارآمد، مورد استفاده قرار گیرد (Feizbahr & Pourzanjani, 2023). شروع تحولات مدرنیزاسیون در جامعه ایران، از اواسط دوران قاجار و هم‌زمان با ایجاد ارتباطات گسترده با جوامع اروپایی شکل گرفت. از آن زمان، معماری پایتخت (تهران) نیز به موازات تحولات معماری در غرب، چهره‌ای متفاوت می‌یابد؛ که تا به امروز ادامه دارد (پاکدامن، ۱۴۰۲: ۸۰-۵۲). دوران پست‌مدرن، آغازگاه زمینه‌جدیدی در معماری گردید که ساختار ثبت‌شده‌اش، بیش‌تر ترکیبی التقاطی بوده و در آن، حس واکنش به دوران خردگرایی قبل، بیش‌تر از آن‌که دربرگیرنده نظریه جدید و قابل تبدیل کالبدی گردد که حاوی نظرگاه فلسفی باشد، دستورالعملی در گفتمان‌ها بوده است (دبیا، ۱۳۹۳)؛ چنان‌چه پیرنیا نیز در این خصوص اذعان می‌دارد که شاید بتوان در معماری معاصر ایران شیوه‌ای را به نام شیوه انحطاط یا شیوه تهرانی نام برد؛ که از دوره قاجاریه و به‌خصوص زمان ناصرالدین‌شاه، تقلید شد و به طور مثال در ساختمان شمس‌العماره، با این‌که از بناهای آلمانی تقلید شده بود، ولی پلان آن ایرانی است (پیرنیا، ۱۳۷۳). از این روی بی‌ارتباط نخواهد بود اگر گفته شود که جامعه ایران، طی دوران طولانی - که از آن با عنوان تاریخ معاصر نام برده می‌شود - تغییر رنگ داده است؛ اما تغییر ماهیت، هرگز! لیکن مقابله سنت و تجدد، عدم تعادلی را بر اثر مواجهه با امواج سهمگین پیشرفت جهان بیگانه و عقب‌ماندگی جهان خودی در جامعه به وجود آورد و هنوز وجود دارد، که ناشی از شیوه برخورد، کوتاهی و بی‌توجهی ما، نسبت به تاریخ معاصر است (زیباکلام، ۱۳۹۹).

۳- مدرنیته، پست‌مدرنیته و جریان معماری

مفاهیم هویت، فرهنگ، سنت و تاریخ، کلیدی برای شناخت معماری معاصر ایران است؛ که در واکنشی تاریخنگر، با احیای مفهوم ایرانی‌بودن، به درک پیچیده‌ای از جوهر میراث معماری ایرانی تبدیل می‌شود (Diba, 2012) و مدرنیسم، ترکیبی فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فلسفی و نماد دوره‌ای است که در آن، عرصه‌های زندگی دینی و مادی گرایانه از هم جدا می‌شود؛ تا بتوان مدرنیسم را مخالف سنت دانست. در مقابل، پست مدرنیسم به دلیل فضای انتقادی، دارای ابهام مفهومی است؛ که در واکنش به تلاش مدرنیسم در ایجاد موج و تغییرات نوین، به عنوان یک جنبش فکری گسترده، ظهور و توسعه یافته؛ به نحوی که بسیاری از حوزه‌های فکری و علمی را تحت تأثیر قرار داده است (Azizi & Eshaq Zai, 2022). در دوران حاکمیت معماری مدرن - که دستورالعمل‌ها و روش‌ها و ایده‌های نو و بدعت‌های معماران پیش‌گام و صاحب‌نام به منزله بیانیه مشترک معماری مدرن، گستره جهان را درنوردید - معماری کارکردگرایی مدرن مطابق با صورت‌های دیکته‌شده از سوی معماران مدرن، همه جا را پر کرد و سیطره خود را بر جهان اعلام داشت (طهوری، ۱۳۹۶). هویت مدرن به عنوان فصل مشترک جریان معماری معاصر ایران و جهان، گسست‌ها و شکاف‌هایی را ایجاد کرد؛ که منابع سنتی غنی و پُر بار معماری ایرانی نیز قادر به پُر کردن آن نباشند. خاصه آن‌که معماری عاری از هر نوع هویت و تشخص، دستورالعمل معماری مدرن (بین‌الملل) بود. بدین ترتیب، پس از کودتای ۲۸ مرداد، روشنفکران ایرانی با تکیه بر برداشتی رمانتیک از تشیع و جایگاه روحانیت شیعی، به بومی‌گرایی روی آوردند و پارادایم خود را از سکولاریسم و غرب‌گرایی، به رنسانس اسلامی و بازگشت به خویشتن، تغییر دادند. پیامد شتاب جامعه سنتی به سمت مدرنیته و افزون بر آن تأثیرات رویکرد پست‌مدرنیستی بر جامعه موجود و شتاب و تنوع تغییراتی که جامعه در حال گذار ایران تجربه می‌کند و تحولات ساختاری و نهادی ملازم با آن

^۱ اشاره به بخشی از سخنرانی شریعتی (۱۳۴۷)؛ مبنی بر این‌که با ایجاد رنسانس اسلامی و اصلاح دینی، می‌توان عوامل انحطاطی را از خود دور کرد.

ابعاد پیچیده و مهمی به مسائل ایران بخشیده است؛ که از طرفی باعث آن شده تا گذار جامعه به سوی مدرنیته و تغییرات ساختاری بدون فهم انگاره‌های فکری عاملیت سنتی و یا به عبارتی عدم هم‌سازی بخشی از جامعه ایران با فرایند مدرنیسم، آسیب‌های فراوانی را به وجود آورد و از سوی دیگر، نظاره‌گر اشاعه افکاری پست‌مدرنیستی و به عبارتی تئوری نفی فراروایت‌هایی است که ذهن ایرانی را بین سه رویکرد سنت‌گرایی، مدرنیسم (که در نیمه راه تجدد به‌سرمی‌برد) و رویکرد پست‌مدرنیستی، گرفتار کرده و نوعی افکار التقاطی و سیال غیرقابل اتکاء، در ذهن اعضای جدید جامعه به وجود آورده و جامعه را در نوعی بی‌هنجاری، دچار بحران هویت نموده است. این نشانه‌ها، قرائتی از ابهام واقعیتی است که روشن‌گر جنبه نمادین و دوپهلوی غرب، به مثابه پایان و آغاز دوباره است: پویایی و تکنیک‌زدگی، خلأ فقر وجود و تجلی آیین عرفانی فرقه‌های گوناگون، تحمیل همگانی و دگرزدایی جدید و مجازی‌سازی، افسون‌زدایی و افسون‌زدگی! ما به عصر «پست» گام نهاده‌ایم (شایگان، ۱۳۹۹: ۲۳). ورود ایران به عصر جدید و ایجاد شکاف و انقطاع در سیر طبیعی تاریخ و سنت که با خشونت همراه با شکست‌های خارجی و استعمار همراه بود، ایران را وارد دورانی کرد که به رویارویی بزرگ میان سنت و مدرنیته انجامید. در حالی که سنت و مدرنیته از نظر بنیادهای فلسفی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با یکدیگر دارای تعارض ماهوی است، چنین تعارضی، همه جامعه را در اشکال مختلف ذهنی و عینی دربرگرفت (رهبری، ۱۳۸۶). حال آن که تحولات شگرفی که پس از رنسانس (نوزایش) در اروپا - تحت عنوان مدرنیته شکل گرفت - به نحوی بنیادین، سرشت زندگی روزمره اجتماعی را متحول ساخت و حتی بر شخصی‌ترین جنبه‌های تجربه نیز اثر گذاشت. از این رو، دگرگونی‌هایی که نهادهای مدرن پیش می‌آورد، به طور مستقیم با زندگی فردی و لاجرم با هویت فردی، تلاقی نمود. در واقع یکی از جنبه‌های بارز مدرنیته، ارتباط درونی فزاینده بین دو حد نهایی تأثیرات بیرونی و درونی بود: از یک سو تأثیراتی فردی و از سوی دیگر تأثیراتی جهان‌شمول (گیدنز، ۱۳۹۸: ۵۸-۵۴). حال آن که آغاز مدرنیته جهانی، پایان فلسفه سنتی بود (حق‌دار، ۱۳۹۵: ۱۲۲).

۴- جریان معماری در ایران معاصر

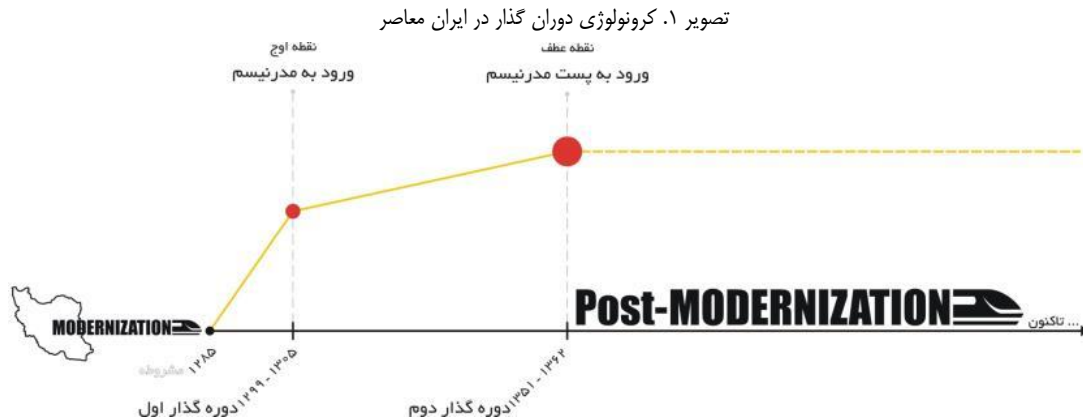
شاید در مطالعات تاریخ معاصر ایران، مهم‌تر از جدال میان سنت^۱ و مدرنیته^۲ ستیز میان مدرنیته و پست‌مدرنیته^۳ باشد. چالش مواجهه و تقابل سنت و مدرنیته، به طور قابل توجهی بر جامعه، فرهنگ و گفتمان معماری معاصر ایران تأثیر گذاشته است. این رویکرد تاریخی، چارچوبی برای بررسی تأثیرات معماری سنتی بر معماری معاصر ایران از دیدگاه‌ها و رویکردهای مختلف ارائه می‌دهد؛ که بر ویژگی تعیین‌کننده گفتمان تاریخ‌گرای معماری معاصر دلالت دارد. روشی منحصر به فرد و تحلیل‌محور؛ که در به‌دست‌آوردن بینشی در مورد خلق آثار معماری معاصر ایران در ایجاد رابطه‌ای سازنده بین معماری گذشته‌گرا، مفاهیم نوآورانه معماری و اندیشه معاصر، به نقد دیدگاه سنت‌گرایی می‌پردازد (Shirazi, 2018)؛ و در کنار تحلیل مؤلفه‌های تأثیرگذار آن‌ها بر معماری، به ارتباط مؤثری با دستاوردهای تاریخی دست می‌یابد؛ که در آن، نقش تاریخ هم‌افزایی ارزش‌های جدید به نیازهای آگاهانه معماری بوده است. نگرشی که در طول تاریخ تغییر می‌یابد؛ و در نهایت، به چالشی در بازیابی مسیری مناسب در میان دیدگاه‌ها و بازتفسیرهای گوناگون و برقراری ارتباط سازنده با تاریخ و اندیشه‌های نوگرایی معاصر منجر می‌شود (Kamali, 2024). این جهش فلسفی اندیشه و روش فکری، در دورانی که مدرنیته - خود - هنوز کودکی نوبا به شمار می‌آمد، منجر به پیدایی شکافی در فرهنگ و هویت معماری این سرزمین گردید؛ که تا به امروز با آن دست به گریبان بوده است و این نقصان را هویدا نمود که به جز معدودی، هیچ حرف قابل طرحی در هیچ‌کدام از زمینه‌های فکری پست‌مدرن معماری معاصر ایران وجود نداشته باشد. مدرنیته، دوران رشد خود را طی نکرده، به انتهای مسیر خود رسیده بود. گویی ایران و ایرانی و فرهنگ آن، از میان سنت، به یک‌باره قدم به دوران پسا - سنتی گذاشت که از قضای تقارن روزگار، پست‌مدرن نام دارد و از بد اتفاق، ریشه در مغرب‌زمینی داشت که همواره در طول تاریخ معاصر ایران، مورد نکوهش و سرزنش جامعه مذهبی و سنتی ایران قرار می‌گرفت. مضافاً آن‌که از عصر روشنگری به بعد، معماری، ابزار

¹ Tradition

² Modernity

³ Post-Modernity

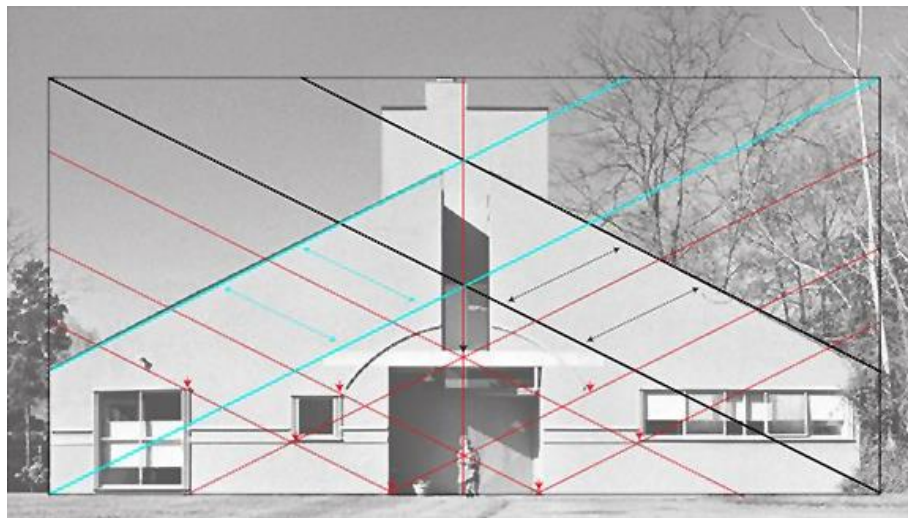
ایدئولوژیک سرمایه‌داری گردید و دیگر امیدی نبود که اهداف متعالی داشته باشد (Aureli, 2019). بدین ترتیب، هژمونی نگاه بورژوازی حاکم و حرکت دیالکتیکی مدرنیته، به صورتی کنایه‌آمیز، تغییر جهت داد و علیه محرک اصلی خود یعنی بورژوازی، به جریان افتاد؛ که هنوز مشق مدرنیته و تجدد را سیاه نکرده، از آن فارغ شده بود. در این میان، روشنفکرانی که تا دیروز دوران سنت، جامعه و فرهنگ را مورد نقد قرار می‌دادند، خود در مظان انتقاد قرار گرفتند و پیکان اشارت مماشات، به سوی آنان نشانه رفت؛ تا پارادوکس ایرانی مسلمان مدرن را در عصبان و گسست میان التقاط و تقلید، و پیوند و تألیف میان آن‌چه که هست و آن‌چه که باید باشد، بنمایاند. تا آن‌جا که این چندگانگی و عدم قطعیت، به همه حیطه‌های انسانی راه می‌یابد و در نهایت این نظام‌ها، در واقعیت ناهنجاری‌های شناختی نوظهور، به عاملی برای ازهم‌پاشی ساختارهای ادراکی و دانشی بشر تبدیل شده و نوعی احساس دل‌تنگی و حرمان نسبت به فراروایت‌های موجود، پدید می‌آورد. از این رو، با فروپاشی وفاق عمومی و پایان سبک‌های ملی و باور مدرنیستی، این هویت پست‌مدرن است که مرزهای هویت ملی را متزلزل می‌کند و هویت اصیل اعضا را به زیر سؤال می‌برد. تا آن‌جا که شیوه‌های ناپایدار - متکثر و پراکنده - افراد را به ارتباط با یکدیگر ترغیب می‌کنند و اصالت، بی‌اهمیت و بی‌ربط می‌شود و هویت، در حد کلمات، تقلیل می‌یابد (بانی‌مسعود، ۱۴۰۲). و فرهنگ صنعتی - تشکیل نیافته - محیط نهادی مرتبط با صنعت را دچار هرج و مرج می‌نماید. حال این سؤال مطرح است که آیا ایران، بدون عبور کامل از مرحله مدرنیسم وارد عصر فرامدرنیسم شده است؟ آن‌چه در عمل مشاهده می‌شود، پرش از وضع موجود به جامعه فراصنعتی است؛ که این پرش زود هنگام، هزینه و عوارض اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خاص خود را خواهد داشت (ادیب، ۱۳۸۰: ۱۰۴)؛ به نحوی که معماران و روشنفکران فلسفه‌زده این عصر، یا عیناً به بازتولید فرم‌های غربی می‌پردازند و یا با استعانت از نظریات فلاسفه ایرانی، بر این تصورند تا با ایجاد فرم‌هایی که در غرب نظیر ندارند، تفکر خود را به جامعه، القاء نمایند (حقیر و کامل‌نیا، ۱۴۰۰). چراکه از یک سو به مدرنیته و مدرنیاسیون و فرهنگ جهانی وابسته‌اند و از دیگر سوی، دل‌بسته بر شخصیت فرهنگی ایرانی. بنابراین، جامعه ایرانی دیگر آن ایرانی قدیم نخواهد بود؛ ولی می‌تواند ایرانی جدید باشد (بهنام و جهانگل، ۱۳۸۶: ۳۷-۳۵). مع‌ذلک، از آن‌جا که جامعه ایرانی هنوز جامعه سنتی و ماقبل مدرن است، بی‌آن‌که نهادهای مدرن در آن شکل گرفته باشد و بی‌آن‌که جامعه، تجربه راستینی از مدرنیته، عقلانیت جدید، دموکراسی و ... داشته باشد - بی‌جهت - شاخصه‌های اصلی تفکر غربی را در خود تسری داده و تاریخ غرب را با تاریخ بومی و محلی جوامع غیر غربی یکسان گرفته، رواج بحران معنا یا نیهیلیسم غربی و دیگر شاخصه‌های نظام معنایی پست‌مدرن در جوامع فراصنعتی غربی به جامعه سنتی و ماقبل صنعتی، به وضعیت موجود جامعه معاصر، بدل گشته است. بدین ترتیب، پس از مشروطیت و به ویژه در دوره پهلوی اول، بر اثر تغییرات به‌وجودآمده در ساختار سیاسی، اجتماعی فرهنگی و اقتصادی کشور، دگرگونی‌های زیادی تابع جریان‌های حاکم بر کل معماری ایران (اعم از سنتی، باستان‌گرایی، ملی‌گرایی و نئوکلاسیک مدرن)، در معماری و شهرسازی ایران، به وقوع می‌پیوندد (قاسمی سیجانی، ۱۳۸۲). پس از آن، و هم‌زمان با اوج و اقتدار جهانی نهضت مدرنیسم، تحولات بی‌شماری به تبعیت از آن اتفاق می‌افتد؛ که در طول تاریخ معماری ایران بی‌سابقه است: معماری ایرانی - که در طول هزاران سال، با فرهنگ، اقلیم، جامعه، دین و انسان ایرانی پیوند یافته بود - دست‌خوش تغییرات می‌شود و معماری مدرن وارداتی از غرب و سبک بین‌الملل، جای آن را می‌گیرد و رویارویی بین سنت و مدرنیته در ایران، آغاز می‌گردد (قاسمی سیجانی، ۱۳۸۳). ایستگاه پسانوگرایی در ایران (۱۹۸۵-۱۹۶۹ م. / ۱۳۶۴-۱۳۴۸ ه.ش). مقارن بود با دوره جمهوری اسلامی. حال آن‌که سال‌ها قبل از تولد این مکتب، معماران نوگرای ایرانی دست به آفرینش این‌به‌مهمی - در تاریخ معماری ایران - زده بودند. در جایی‌که عصر، عصر روشنگری و دوره مدرن در جریان رخداد بود؛ یادواره‌های ارزشمند سیحون، شهر نوین دیبا، برج - نماد امانت و بسیاری دیگر - همه و همه - از این دست بودند. اگرچه جنکس مرگ معماری مدرن را به سال ۱۹۷۲/۱۳۵۱ اعلام کرد، اما این به معنای پایان این معماری نبود. در واقع، معماری مدرن به عنوان یک سبک پیش‌رو در این سال پایان یافت؛ ولی کماکان اکثر ساختمان‌های جدید، به سبک مدرن ساخته می‌شدند. حال آن‌که با پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۷/۱۹۷۹)، اقتدار معماری مدرن، کم‌رنگ گردید و با پایان نئوکلاسیک، فصل تازه‌ای از معماری با نام پست‌مدرن آغاز شد.



۵- مبانی و پیشینه تحقیق

خانه مادر، اولین ساختمان ساخته‌شده به سبک پست‌مدرن و نماد این معماری است. این خانه را رابرت ونتوری در سال ۱۹۶۲ میلادی در نزدیکی شهر فیلادلفیا در ایالت پنسیلوانیا در ایالات متحده، برای مادرش ساخته است. ونتوری در طرح خود از نمادهایی همچون بام شیب‌دار، پنجره، قوس سر در ورودی، و لوله دودکش استفاده کرده است؛ که در غرب (از جمله آمریکا)، از نمادها و نشانه‌های خانه شمرد می‌شود و در نگاه اول، این خانه را به عنوان یک خانه مسکونی، مشخص می‌کند. نکته حائز اهمیت در خانه مادر ونتوری این است که وحدت و یکپارچگی از طریق حذف المان‌های مختلف ساختمان، به دست نیامده و همه تناقضات و پیچیدگی‌های خانه، در توجه به رویکرد انسان‌مدارانه پست‌مدرنیستی به وجود آمده است (قبادیان، ۱۴۰۰).

تصویر ۲. تحلیل ژئومتریک خانه مادر ونتوری



Geometry Analysis of Vanna Venturi House, Philadelphia, PA; Design by Kimberly Elam
© 2020 Pennsylvania Academy of the Fine Arts

در معماری پست‌مدرن، عمدتاً مبنای توجه، به معماری تاریخی و بومی به‌روزشده (که از آن با نام بوم‌گرایی یاد می‌شود)، معطوف بوده است. معماری سبک پست‌مدرن در ایران، پس از انقلاب اسلامی مورد توجه تعدادی از معماران مطرح کشور قرار گرفت. دلیل استقبال از این سبک در ایران را می‌توان در توجه جهانی معماری پست‌مدرن به عنوان یکی از دو سبک آوانگارد در جهان و تأکید معماری پست‌مدرن بر فرهنگ، تاریخ و هویت انسان، منطبق با موارد مطرح‌شده همگون با مسائل انقلاب اسلامی در ایران، عنوان نمود. با توجه به نگاه به گذشته و احیاء و به‌روزنمودن نمادهای معماری تاریخی ایران، این سبک را می‌توان ادامه سبک نوگرایی ایرانی در دوره پهلوی دوم قلمداد کرد. بدین تعبیر، ویژگی‌های معماری پست‌مدرن عبارتند از:

۱. به‌روزنمودن شیوه‌های اصفهانی، تهرانی و یا معماری بومی.
۲. تلفیق معماری گذشته با معماری مدرن برای عملکردهای مدرن.
۳. استفاده از مصالح سنتی در نما (مانند آجر، کاشی و چوب) و هم‌چنین، تزئینات سنتی.
۴. استفاده از مصالح مدرن در نما (مانند سنگ پلاک، بتن و فلز).
۵. به‌کارگیری فن‌آوری و امکانات مدرن (قبادیان، ۱۴۰۱).

در چند دهه اخیر معماری، ساختمان‌ها و عمارت‌های مختلفی با هزینه‌های فراوان ساخته شده است؛ اما یا سازندگان مدعی هویت‌مندی آن هستند یا منتقدانش آن را بی‌هویت می‌دانند. در چنین شرایطی، نبود معیارهای لازم و تعریف اساسی از مفهوم هویت باعث شده که روشنفکران و روشنفکران‌آبان به طریقی یا داعیه‌دار آن باشد یا منتقدش. حتی گاهی نهادهای دولتی نیز در افسوس این واژه گرفتار می‌شوند و هزینه‌های سرسام‌آور ساخت‌وسازهای خود را به دست معماران و طراحانی می‌سپارند که مبلغ هویت‌مندی سازه‌های خود هستند؛ اما در پایان، اثری از دل خاک سر برمی‌آورد که نه هویت دارد و نه حتی ساختاری معمارانه. در معماری فعلی ایران که (عموماً) برگرفته از نمونه‌های خارجی است، پرداختن به موضوع هویت، در بهترین شرایط، بیهوده است. معماری ایران در دوره‌هایی چنان شکوفا بوده که اکنون می‌توان آن را صاحب هویت دانست. لکن تعریف و معیار این هویت گم شده است (سلطان‌زاده، ۱۳۹۶). مفهوم هویت برای انسان سنتی (مذهبی) باوری است واحد و الهی؛ که به مدد ایمان به غیب شکل می‌گیرد و سازنده و پردازنده پندار، کردار و رفتار او است. درحالی‌که انسان مدرن (سکولار)، خود به مدد خود، هویت متکثر و اکتسابی خویش را در جامعه ساخته است. در نگاه سنتی هویت انسان مقدم بر وجود اوست و در نگاه مدرن وجود انسان مقدم بر هویت‌اش. بسیار هویتی معماری امروز که در نگاه وحدت‌گرای جامعه، به بی‌هویتی تعبیر می‌گردد، هم اکنون می‌رود تا به بحرانی فرهنگی تبدیل گردد (حجت، ۱۳۸۴). این چندگانگی و عدم قطعیت به نوعی باعث آن شده تا با از میان رفتن وحدت رویه، سویه کثرت، به سبب تنزل در محتوا و تقلیل در مراتب، به تضعیف هویت بیانجامد و در یکسان‌سازی تولیدات عینی و ذهنی، تمامی هویت‌ها و یکگی‌ها را از بین برده و با از بین رفتن این فواصل انتقادی و تغییر مفهوم زمان و مکان و بروز هم‌زمانی، ایجاد بحران هویت نماید (جاویدصباغیان و سیداحمدی زاویه، ۱۳۹۲).

تفکر پست‌مدرن در معماری نیز بر حرکت به سوی نوعی بی‌ارجاعی غیرخطی انتزاعی و فرم‌های مختصر، و با تکیه بر فروریختن ارگان سنتی مسلط بر معماری، شکل می‌گیرد؛ که این اندیشه، با انتقاد از فراروایت‌های (دینی، فلسفی، اومانیسم و ...) مدرنیسم، کانون و منشأ تغییر را در درون خود جستجو می‌کند و در نگرشی بنیادی - که دارای برنامه‌ای برای آغاز تحولی بنیادین از طریق تغییر پیش‌فرض‌های فرد در مورد خود و دیگران است - با ابزار شالوده‌شکنی و نظریه‌پردازی خودانکاسی، باورهای ذهنی را مورد انتقاد و ارزیابی قرار می‌دهد و با رد هرگونه ایدئولوژی و تقلیل تفکر به امری سطحی، هویت (معماری) را شریک سلطه (اجتماعی) نموده و آن را از آزادی (هنری) دور می‌نماید. حال از آن‌جا که محصول تکنولوژیک، عنصری مستقل از معنا و دلالات ایدئولوژیک است - که می‌تواند مستقل از زمان، در خدمت مدرنیته باشد - بی‌راه نخواهد بود اگر عنوان شود سبک‌ها در معماری دارای ارزش‌هایی هستند که بازشناسی آن‌ها فارغ از زمان و مکان، باعث ماندگاری آثار معماری خواهند شد (قبادیان، ۱۴۰۱). بدین ترتیب، معماران - که اغلب رابطه بین تئوری و فرهنگ را درک نمی‌کنند - تئوری را به عنوان ابزاری برای رسیدن به فرم یا توجیه فرایند عملی معماری، به کار می‌گیرند (چومی، ۱۴۰۰). اگرچه مدرنیسم، طرحی مدون و معین و غایتی مشخص برای جهان بعد از سنت ارائه می‌کند؛ علی‌رغم آن‌که

پست‌مدرنیسم، فاقد این اصول تعیین‌شده و مرزبندی‌های روشن است. بر این اساس، بنیاد مدنیت و فرهنگ - که با طوفانی در نوزایش و اصلاح‌گری، لرزیده و لحظه لحظه لرزان‌تر شده، به رغم همه سخت‌گیری‌ها و تمهیداتی که برای نگاهبانی از آن به کار رفته، عاقبت فرو می‌ریزد؛ تا بر ویرانه‌های آن، بنایی تازه بنیاد شود (خاتمی، ۲۰۳: ۱۳۸۸). ولی عمدتاً آن‌چه پس از انقلاب (۵۷) در شهرهای بزرگ ایران - بالاخص تهران - به عنوان سبک پست‌مدرن ساخته شد، تقلید از معماری غرب بود و خصوصیات بومی و محلی خاص هر نقطه در ایران مورد توجه واقع نشد. یعنی یک تقلید صرف از مجلات معماری صورت گرفت و به معانی و اصول فکری معماری پست‌مدرن توجه نشد. اگرچه، معمارانی چون شیخ‌زین‌الدین، کلاتری و صفامنش - که معماری دوره قاجار را عمدتاً الگو قرار داده‌اند - بیش‌تر به اصول و مبانی پست‌مدرن نزدیک هستند.

دوره دوم معماری جمهوری اسلامی را می‌توان به عنوان دوره شکوفایی معماری پست‌مدرن در ایران نام برد. در این دوره، بناهای بسیاری به سبک پست‌مدرن طراحی و احداث شد. ویژگی‌های سبک پست‌مدرن در این دوره عبارت است از:

۱. توجه به زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی و قواعد معماری تاریخی و بومی.
۲. به‌روزنمودن نمادها و مفاهیم معماری گذشته برای عملکردهای سنتی و مدرن.
۳. به‌کارگیری نظم هندسی و تقارن محوری در طرح بنا.
۴. استفاده از آجر یا سنگ در نما.
۵. استفاده از کاشی لعاب‌دار و تزئینات انتزاعی.
۶. به‌کارگیری فن‌آوری و امکانات مدرن (قبادیان، ۱۴۰۱).

در طی دو دهه گذشته، ترکیب احجام و مصالح و شکل‌دهی بعضی از طرح‌های معماران ایرانی، زیبایی جدیدی در صنعت ساختمان ارائه کرده است که از نظر شکلی، قرابت بسیار زیادی با ساختمان‌های دیکانستراکشن در غرب دارد. ولی در اغلب آن‌ها، آن‌چه که بعضاً بیان نشده، مفاهیم نظری و شرح و تحلیل آن است. در ایران، معماران معدودی طرح‌های خود را در چارچوب معماری دیکانستراکشن مطرح کرده‌اند. از آن‌جا که سبک دیکانستراکشن را به نوعی می‌توان ادامه سبک پست-مدرن در معماری برشمرد، طرح مبانی فکری معماری دیکانستراکشن نیز حائز اهمیت خواهد بود. این مبانی در ایران، کمتر مورد بحث و شرح قرار گرفته و مهم‌تر آن‌که، انتقال این مبانی به شکل معماری، در اکثر پروژه‌ها مورد نقد و تحلیل واقع نشده است.

معماری دیکانستراکشن در ایران از نیمه دهه ۱۳۶۰ شمسی، ابتدا در طرح‌ها و پایان‌نامه‌های دانشجویان معماری ظاهر شد. پس از آن، در نمای چند مغازه لوکس در شمال شهر تهران، پدیدار گشت و نهایتاً، تعداد انگشت‌شماری ساختمان - به تبعیت از شکل معماری دیکانستراکشن - طراحی و اجرا گردید. ویژگی‌های این سبک در ایران را می‌توان به شرح زیر عنوان نمود:

۱. ایجاد احساس تعلیق، ناپایداری و پویایی.
۲. استفاده از سطوح و خطوط مورب و کج و معوج.
۳. هم‌جواری نمادهای نامربوط در کنار یکدیگر.
۴. تداخل احجام و سطوح معلق در یک ترکیب هنرمندانه (قبادیان، ۱۴۰۱).

معماران سبک دیکانستراکشن، به دنبال ارائه شکل کالبدی از مفروضات و شناخت انسان از خود و پیرامون خود و محیط خود می‌باشد؛ که این شناخت، تنها با اتکاء به علم و فلسفه صورت می‌گیرد. لذا معمار امروز، به منظور حفظ حضور خود در ورطه فرهنگ جهانی معاصر، باید ضمن آشنایی کامل با علم و فلسفه روز، قادر باشد محیط مصنوع را با استفاده از آن دانش و آگاهی، تفسیر نموده، آن را به صورتی خلاق و هنرمندانه، نشان دهد (قبادیان، ۱۴۰۰: ۱۶۲). در معماری دیکانستراکشن، سعی بر این است که برنامه و مشخصات طرح، مورد مطالعه و واریسی دقیق قرار گیرد. هم‌چنین، سایت و شرایط فیزیکی و تاریخی آن و محیط اجتماعی و فرهنگی‌ای که سایت در آن قرار گرفته نیز بازبینی موشکافانه شود. در مرحله بعد، تفسیرهای مختلف از این مجموعه مطرح می‌شود و در نهایت، کالبد معماری به صورتی طراحی می‌گردد که در

عین برآورده‌نمودن خواسته‌های عملکردی پروژه، تناقضات و تباینات بین موضوعات مورد اشاره و تأویل‌های مختلف آن، ارائه گردد. لذا، شکل کالبدی، به صورت یک مجموعه چندمعنایی، ابهام‌برانگیز، متناقض و متزلزل ارائه خواهد شد؛ که خود، طرح زمینه را برای تفسیر و تأویل بیش‌تر آماده نماید. در این میان، طراح ساختمان باید منعکس‌کننده آن جهان متکثری باشد که به قرائت‌ها و تفسیرهای مختلف از طرح، اجازه بروز می‌دهد. ایده فرم تابع عملکرد، شیوه‌ای از زمین‌های از روند شکل‌گیری قرائت‌های متفاوت از فرم در پیچیدگی‌های تضادگونه معماری است؛ که از دل خصوصیات مکانی و تقابل‌های برنامه‌محور، به شکلی انعطاف‌پذیر بر یکدیگر منطبق شده، و در رویدادی خودانعکاسی، اجازه بروز می‌یابد؛ درحالی‌که - کماکان - هویت خود را حفظ نموده است. اگر چه جنکس مرگ معماری مدرن را به سال ۱۳۵۱ ش. / ۱۹۷۲ م. اعلام کرد، اما این به معنای پایان این گونه معماری نبود. در واقع، معماری مدرن به عنوان یک سبک پیش‌رو در این سال پایان یافت؛ ولی کماکان اکثر ساختمان‌های جدید، به سبک مدرن طراحی و ساخته می‌شوند. امروزه از نظر کمیت، حضور سبک‌های دیگر در مقابل معماری مدرن - چه در ایران و چه در بخش وسیعی از سایر نقاط جهان - ناچیز و قلیل است؛ هرچند که این سبک‌ها جدیدتر بوده و راه حل‌های نوین برای نیازها و معضلات کنونی ارائه نمایند؛ معماری معاصر ایران نیز با سابقه‌ای بیش از یک و نیم قرن، هماهنگ با معماری معاصر غرب و تحت تأثیر آن، آثار برجسته‌ای را در سبک‌های متعدد معماری به وجود آورده است. پست‌مدرنیسم، آغازگاه زمینه جدیدی در معماری گردید؛ که ساختار ثبت‌شده آن، بیش‌تر ترکیبی التقاطی بوده و در آن، حس واکنش به دوران خردگرایی پیشین، بیش‌تر از آن‌که در بر گیرنده نظریه جدید و قابل تبدیل کالبدی گردد که حاوی نظرگاه فلسفی باشد، دستورالعملی در گفتمان‌ها بوده است (دیب، ۱۳۹۳). به اعتقاد قبادیان، معماری پست‌مدرن معمولاً التقاطی از سبک‌های معماری در زمان‌ها و مکان‌های مختلف است. چنان‌چه پیرنیا نیز در این خصوص اذعان می‌دارد که شاید بتوان در معماری معاصر ایران شیوه‌ای را به نام شیوه انحطاط یا شیوه تهرانی نام برد؛ که از دوره قاجاریه و به خصوص زمان ناصرالدین‌شاه، تقلید شد و به طور مثال در ساختمان شمس‌العماره، با این‌که از بناهای آلمانی تقلید شده بود، ولی پلان آن ایرانی است (پیرنیا، ۱۳۷۳). از این روی بی‌ارتباط نخواهد بود اگر گفته شود که جامعه ایران، طی دوران طولانی - که از آن به عنوان تاریخ معاصر نام برده می‌شود - تغییر رنگ داده است؛ اما تغییر ماهیت نداده است. لیکن مقابله سنت و تجدد، عدم تعادلی را بر اثر مواجهه با امواج سهمگین پیشرفت جهان بیگانه و عقب‌ماندگی جهان خودی در جامعه به وجود آورد و هنوز وجود دارد، که ناشی از شیوه برخورد، کوتاهی و بی‌توجهی ما، نسبت به تاریخ معاصر است (زیباکلام، ۱۳۹۵: ۲۲).

جدول ۱. معماری سبک پست‌مدرن: مفاهیم و مضامین

سبک معماری	پست‌مدرن
دوره	اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی / ۱۳۴۰ شمسی
منبع الهام	هویت انسان
فلاسفه	ژاک دریدا، ژیل دلوز، ژان فرانسوا لیوتار، میشل فوکو.
نظریه و نظریه‌پرداز اصلی	چارلز جنکس؛ فرم، تابع دیدگاه جهانی.
مانیفست	کمتر، خسته‌کننده است! [Less is Bore!] (روبرت ونتوری: ۱۹۶۸ م.)
لغات کلیدی	فرهنگ، تاریخ، سنت، کثرت‌گرایی، التقاط، هنر مردمی، سبک بومی.
سبک پیرو	دیکانستراکشن
بنای شاخص معماری	خانه مادر ونتوری [۱۹۶۲ م.]
معماران شاخص جهانی	رابرت ونتوری، چارلز جنکس، پیتر آیزنمن، دانیل لیسکیند، زها حدید، فیلیپ جانسون.
معماران شاخص ایرانی	حسین شیخ‌زین‌الدین، ایرج کلانتری، محمدرضا جودت، کامران صفامنش، هادی میرمیران، فرهاد احمدی.

روش تحقیق حاضر از نوع کیفی است؛ و از آن‌جا که پژوهش در حالت کیفی، تاریخی است، شیوه تحلیل پژوهش در قالب تاریخی انجام یافته است. از آن‌جا که در فاصله دو زمان مشخص در گذشته، رویدادهایی به‌وقوع پیوسته و ابزاری تکمیل گشته است، بنابراین تلاش محقق در روش تاریخی بر آن بوده است تا حقایق گذشته را از طریق جمع‌آوری اطلاعات، ارزشیابی و بررسی صحت داده‌ها، ترکیب دلایل مستدل و تجزیه و تحلیل آن‌ها، به صورتی منظم و عینی، ارائه و نتایج پژوهشی قابل ارائه و دفاع، در راستای اهداف تحقیق، استنتاج نماید. این پژوهش، به دنبال بازنمایی هدفمند وقایع تاریخی، در گردآوری داده‌ها و اطلاعات، از مطالعات کتابخانه‌ای (منابع اسنادی و استنادی) و میدانی (مشاهده و مصاحبه)، استفاده کرده است. تأکید پژوهش بر آرا و نظریات آن دسته از اساتید و متخصصین معماری است که هم به صورت آکادمیک و هم به صورت حرفه‌ای، مشغول به فعالیت می‌باشند. لذا بدین منظور، داده‌های کیفی در قالب مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته، گردآوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند؛ که پاسخ‌ها در مصاحبه ۱۷ ام، به بالاترین سطح اشباع رسیده، محتوای داده‌ها پس از کدگذاری و پالایش، در طبقه‌بندی‌های معنادار، دسته‌بندی و با طبقه محوری کروئولوژی معماری معاصر ایران، مرتبط گردیده‌اند. میانگین توافقی ۹۰٫۳۷ درصد، نشان از قابلیت اعتماد نسبتاً کامل و پوشش سطح معیار بیش از ۰٫۶۰ کاپا، قابلیت اعتبار را ایده‌آل توصیف می‌کند. بدین ترتیب شاخص کیفیت تحقیق، مورد قبول، روایی و پایایی کیفی، مورد تأیید و نتیجه تحقیق، با بررسی چهار معیار کیفی گوبا و لینکلن (باورپذیری، انتقال‌پذیری، تأییدپذیری و اطمینان‌پذیری)، قابل ارزیابی و تفسیر است.

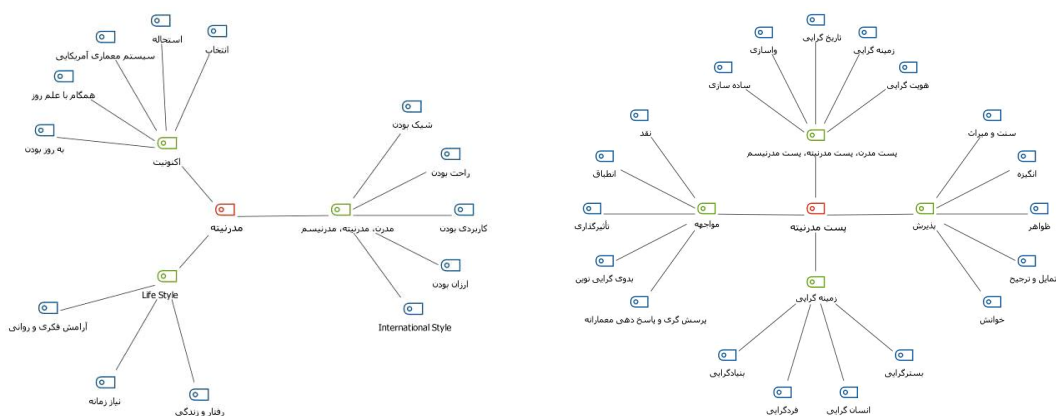
جدول ۲. جمع‌بندی روش تحقیق و تحلیل داده‌ها به تفکیک سؤالات مصاحبه

پرسش مصاحبه	روش جمع‌آوری اطلاعات	روش تحلیل اطلاعات
بنا بر یک تقارن تقویمی (کروئولوژیک)، دو دوره گذار از سنت به مدرنیته و گذار از مدرنیسم به پست‌مدرنیسم را در معماری ایران متأثر از چه عواملی می‌دانید؟	مطالعه اسنادی و استنادی، مصاحبه نیمه ساختاریافته؛	تحلیل توصیفی - علی

۷- بحث و یافته‌ها

پس از انجام چهار گام اساسی - فراخوانی داده‌ها، گروه‌بندی اطلاعات، ایجاد پوشه‌های فرعی و تخصیص متغیرها به اسناد در کدگذاری فایل‌های مصاحبه، نرم‌افزار MaxQDA - به عنوان رایج‌ترین و شناخته‌شده‌ترین نرم‌افزار تحلیل پژوهش‌های کیفی - به منظور ارائه جداول و مدل‌های مفهومی (تئوری-کد، کد-ماتریکس و مدل سلسله‌مراتبی)، مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. شاخص‌ترین این مدل‌ها، مدل تئوری-کد با محوریت کدهای انتخابی مقوله پس‌مدرنیسم می‌باشد. تئوری-کد معادل بصری روابط میان مفاهیم است؛ که با یک محور مرکزی آغاز می‌شود و این محور، در واقع همان مسئله‌ای است که باید حل شود و یا ایده‌ای است که مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد. از مدل تئوری-کد می‌توان برای اتخاذ تدابیر یا تعیین پیامدها و راهبردها و یا تأثیرات فرعی دسته‌بندی‌ها یا رویدادها و رسیدن به سطوح پایین‌تری از جزئیات، استفاده کرد. این امر کمک می‌کند تا بتوان با دقت در پیچیدگی‌های جزئی مسئله، راه‌حل‌های موجود و مسیر تصمیم‌گیری را به یک تصویر بزرگ و جامع، تغییر داد. در ادامه، با توجه به اهمیت متغیرهای میانجی در اتخاذ تدابیر و راهبردهای تئوری داده‌بنیاد و ارائه راهکارهای مطلوب بر مبنای چالش‌های موجود، و بر اساس کدهای نهایی مستخرج از مجموع ۱۷ مصاحبه، مانیفست کروئولوژی معماری معاصر ایران در گذر از دوران گذار ارائه می‌گردد.

تصویر ۳. مدل تئوری-کدهای محوری مدرنیته و پست مدرنیته



جدول ۳. کد-ماتریکس توزیع فراوانی کدهای طبقه محوری کروئولوژی

Code System	p01	p02	p03	p04	p05	p06	p07	p08	p09	p10	p11	p12	SUM
کروئولوژی													0
آموزش													20
پست مدرن، پست مدرنیته، پست مدرنیسم													12
تاریخ اجتماعی ایران معاصر													3
نبارشناسی													9
تمدن و فرهنگ													6
جامعه شناسی سیاسی													4
خصوصیات دوره جدید													26
دوره گذار													7
سنت و میراث													5
میانی نظری معماری													16
مدرن، مدرنیته، مدرنیسم													34
مطالعه													10
معماری ایرانی													25
معماری معاصر ایران													11
ناسیونالیسم													4
نیونرمال													24
واقعیت													41
هژمونی													42
SUM	53	36	51	19	15	20	6	22	19	16	6	36	299

۸- مانیفست کروئولوژی معماری معاصر ایران در گذر از دوران گذار

کروئولوژی دوره معاصر ایران، مقطع‌بندی مسیر پرتلاطم تاریخ معاصر - از آغاز مشروطیت تا دوره جمهوری اسلامی - است؛ که به لحاظ تاریخی، با شناخت آن می‌توان نقاط مبدأ، مرجع، اوج و عطف معماری معاصر را صورت‌بندی تاریخی نمود:

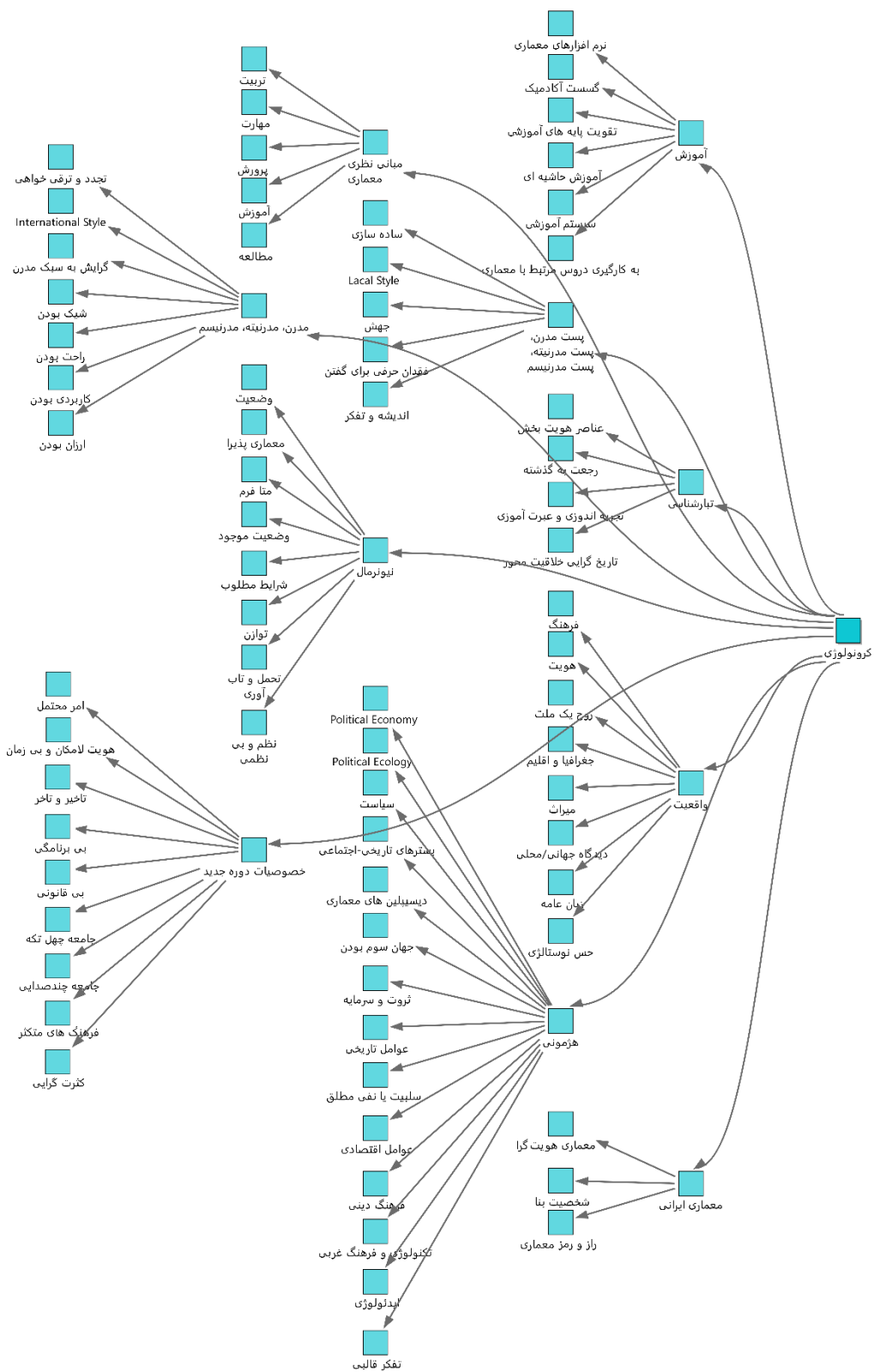
- دوره گذار اول: گذار سنت به مدرنیته؛ که به عنوان نقطه اوج مدرنیزاسیون در توالی تاریخی دوره قاجاریه به دوره پهلوی اول، به وقوع پیوست.

○ دوره گذار دوم: گذار مدرنیسم به پست‌مدرنیسم؛ که به عنوان نقطه عطف دوران معاصر و در توالی تاریخی دوره پهلوی دوم به دوره جمهوری اسلامی، شکل گرفته است.

بنابراین، شناخت کرونولوژیک معماری معاصر، تعیین سیستماتیک یک صورت‌بندی تاریخی در تعیین هویت‌بخشی به معماری است! که می‌تواند در ارتقاء دانش و آموزش تاریخ نظری معماری ایران، حائز اهمیت باشد.

۹- نتیجه‌گیری

پست‌مدرنیسم، وجه غالب باور فرهنگی زمانه‌ای است که تمامی کنش‌ها را - دوباره - قالب‌ریزی می‌کند و حاوی انگاره‌های متمایزی از تجربه و شرایط در عمیق‌ترین سطوح یا تمامی آن چیزی است که می‌توان درباره جهان معاصر دانست؛ تا آن‌جا که قدرت متمرکز، جای خود را به کثرت گسسته داده، جلوه‌ای از معاصریت هویت را آشکار می‌کند. این پژوهش، با تأکید بر بازخوانی گاه‌شناسی معماری معاصر ایران در گذر از دو دوره گذار (سنت به مدرنیته و مدرنیسم به پست‌مدرنیسم)، به روش کیفی آمیخته، انجام و با بهره‌گیری از رهیافت نظریه داده‌بنیاد، مورد تحلیل و تفسیر قرار گرفته است. داده‌های پژوهش در قالب ۱۷ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، طبقه‌بندی و محتوای پاسخ‌ها، با استفاده از نرم‌افزار تحلیل کیفی MaxQDA نسخه 2020، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به منظور استخراج مقوله‌های اصلی و فرعی، از پرسشنامه‌ای بر پایه اهداف پژوهش، استفاده شد. محتوای فایل‌های مصاحبه، در سه مرحله کدگذاری (باز، محوری و انتخابی)، استخراج و پس از پالایش، با یکدیگر ادغام و در نهایت، در طبقه‌بندی‌های معنادار، دسته‌بندی گردید. مراحل کدگذاری، در قالب جداول نظام‌یافته، گزارش و مقدار فراوانی متناظر با هریک از کدها، ارزیابی، محاسبه و ارائه شد. بررسی شاخص‌های به دست آمده حاکی از آن است که آزمون روایی و پایایی، مورد تأیید است. لذا، با تکیه بر یافته‌ها و نتایج حاصل، به نظر می‌رسد جریان مدرنیسم در بستر حاکم پست‌مدرنیسم، وضعیت موجود را با ایجاد بحران‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، علمی، تاریخی و فلسفی، به چالش کشیده و به سبک زندگی قالب دوره معاصر مبدل شده است. حال آن‌که در این میان، کسب مهارت نقد و پرسش‌گری به مثابه اندیشه انتقادی، شناخت و نگرش فلسفی و اصلاح آموزش و شیوه‌های آموزشی و به‌کارگیری مناسب و درست از مدیا و رسانه، می‌تواند نقش مهمی در معرفی این هنرجار نوین، ایفا نماید. با تأکید بر این نکته که به لحاظ ساختاری، هیچ چارچوب مدرنی جدای از مدرنیسم نمی‌توان برای پست‌مدرنیسم در نظر گرفت. بنابراین، در پاسخ به سؤال پژوهش که معماری معاصر ایران متأثر از کدام عامل یا عوامل و در چه شرایطی تغییر یافت؟ اذعان می‌گردد ریشه فهم تحولات معماری، در توانایی شناخت گفتمان تاریخی میان هویت‌های پیشین و هویت معاصر نهفته است. از این رو، تفکر مدرن (مدرنیته)، تفکر پست‌مدرن (پست‌مدرنیته) و شناخت و آگاهی از بنیان‌های فلسفی، لازمه موفقیت در معماری معاصر ایران است. البته توجه به این نکته حائز اهمیت است که تحقق این امور، بدون بازشناسی مفاهیم و مضامین معماری گذشته ایران و تعریف معیار استفاده بهینه از فرهنگ و تکنولوژی غربی، و بازآموزی مؤلفه‌های تأثیرگذار تاریخی - اجتماعی و سیاسی مقطع معاصر، میسر نخواهد بود. حال آن‌که مسیر رسیدن به گفتمان تاریخی هویت در معماری معاصر ایران، مستلزم دقت، توجه و عنایت به این تدابیر و راهبردها است.



تصویر ۴. مدل سلسله مراتبی طبقه محوری کرونولوژی

مآخذ

۱. ادیب، محمدحسین. (۱۳۸۰). ایران و اقتصاد موج سوم. اصفهان: نشر مؤلف.
۲. اسلامی ندوشن، محمدعلی. (۱۳۹۹). ایران چه حرفی برای گفتن دارد؟ (چاپ پنجم). تهران: شرکت سهامی انتشار.
۳. اشرف، احمد. (۱۳۹۱). هویت ایرانی به سه روایت. دوماهنامه بخارا، ۴(۶۶)، ۱۰۹-۱۲۷.
۴. بانی‌مسعود، امیر. (۱۴۰۰). معماری معاصر در ایران از سال ۱۳۰۴ تا کنون (چاپ دوم). مشهد: کتابکده کسری.
۵. بانی‌مسعود، امیر. (۱۴۰۲). پست‌مدرنیته و معماری؛ بررسی جریان‌های فکری معماری معاصر غرب (چاپ هفتم). اصفهان: نشر خاک.
۶. بهنام، جمشید و جهاننگلو، رامین. (۱۳۸۶). تمدن و تجدد (گفتگو) (چاپ سوم). تهران: نشر مرکز.
۷. پاکدامن، بهروز. (۱۴۰۲). نگاهی کوتاه بر شیوه‌ها و گرایش‌های معماری در تهران. تهران: روشنفکران.
۸. پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۷۳). پای صحبت استاد مهندس پیرنیا. کیهان علمی، ۶(۸)، ۲۹-۴۰.
۹. جاویدصباغیان، مقداد و سیداحمدی زاویه، سید سعید. (۱۳۹۲). درآمدی بر مطالعات تطبیقی هنر در مقام یکی از گونه‌های مطالعاتی حوزه پژوهش هنر. دوفصلنامه نامه هنرهای تجسمی و کاربردی، ۴(۱۲)، ۵-۲۷.
۱۰. چومی، برنارد. (۱۴۰۰). معماری و انفصال (ترجمه حسام عشقی صنعتی و مرتضی نیک فطرت). تهران: انتشارات فکر نو.
۱۱. حجت، عیسی. (۱۳۸۴). هویت انسان ساز، انسان هویت پرداز (تأملی در رابزه هویت و معماری). فصلنامه هنرهای زیبا، ۶(۲۴)، ۵۵-۶۲.
۱۲. حجت، عیسی. (۱۴۰۱). سنت و بدعت در آموزش معماری. تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات.
۱۳. حقدار، علی اصغر. (۱۳۹۵). تحولات فرهنگی و سیاسی ایران معاصر. استانبول: نشر مؤلف.
۱۴. حقیر، سعید و کامل‌نیا، حامد. (۱۴۰۰). نظریه مدرنیته در معماری ایران (چاپ دوم). تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه.
۱۵. خاتمی، سیدمحمد. (۱۳۸۸). گفت و گوی تمدن‌ها (چاپ دوم). تهران: طرح نو.
۱۶. دامیار، سجاد و ناری قمی، مسعود. (۱۳۹۱). مطالعه تطبیقی مفهوم فضا در معماری بومی و معماری مدرن. فصلنامه معماری و شهرسازی، ۱۷(۱)، ۶۵-۷۲.
۱۷. دیبا، داراب. (۱۳۹۳). کثرت دیدگاه‌های امروز معماری در جهان پرتلاطم. دوفصلنامه معماری و فرهنگ، ۷(۲۴)، ۱۲-۳.
۱۸. رهبری، مهدی. (۱۳۸۶). نخیکان و شکل‌گیری گفتمان توسعه در ایران. مجله پژوهش حقوق و سیاست، ۹(۲۲)، ۶۶-۴۱.
۱۹. زیباکلام، صادق. (۱۳۹۵). سنت و مدرنیته: ریشه‌یابی علل ناکامی اصلاحات و نوسازی سیاسی در ایران عصر قاجار (چاپ نهم). تهران: نشر روزنه.
۲۰. سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۹۶). هویت معماری، کتاب معماران ایران، جلد ۱. تهران: انتشارات تیس، انجمن مفاخر معماری ایران.
۲۱. شایگان، داریوش. (۱۳۹۹). افسون‌زدگی جدید: هویت چهل‌تکه و تفکر سیار (چاپ یازدهم؛ ترجمه فاطمه ولیانی). تهران: فرزانه روز.
۲۲. شریعتی، علی. (۱۳۴۷). نگاهی به تاریخ فردا. بی‌جا.
۲۳. طهوری، نیر. (۱۳۹۶). آموختن از هایدگر. فصلنامه کیمیای هنر، ۶(۲۵)، ۹۲-۷۳.
۲۴. عبدالکریمی، بیژن. (۱۳۹۵). پرسش از پست مدرنیسم ایرانی. تهران: مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی.
۲۵. قاسمی سیپجانی، مریم. (۱۳۸۲). معماری اصفهان در دوره پهلوی اول. دوفصلنامه معماری و فرهنگ، ۶(۱۵-۱۶)، ۱۱۴-۱۰۶.
۲۶. قاسمی سیپجانی، مریم. (۱۳۸۳). معماری اصفهان در دوره پهلوی دوم. دوفصلنامه معماری و فرهنگ، ۶(۱۸-۱۹)، ۱۲۱-۱۱۵.
۲۷. قبادیان، وحید. (۱۴۰۰). مبانی و مفاهیم در معماری غرب (چاپ سی و ششم). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۲۸. قبادیان، وحید. (۱۴۰۱). سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران. تهران: فکر نو.
۲۹. گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۸). تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید (ترجمه ناصر موفقیان، چاپ یازدهم). تهران: نشر نی.
۳۰. میرمیران، هادی. (۱۳۸۹). موزه ملی آب ایران. فصلنامه شارستان، ۷(۲۷)، ۲۸-۲۹.
۳۱. هابرماس، یورگن. (۱۳۹۲). مسائل مدرنیسم و مبانی پست‌مدرنیسم (مجموعه مقالات، ترجمه سیدعلی مرتضویان، چاپ چهارم). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.

32. Aureli, P. V. (2019). Intellectual work and capitalist development: Origins and context of Manfredo Tafuri's critique of architectural ideology. *Past & Present Press*.
33. Azizi, B., & EshaqZai, A. (2022). Exploring the characteristics of modernism and post-modernism: A review paper. *Journal of Critical Reviews*, 9(2), 57-65.
34. Deleuze, G. (2017). *The fold: Leibniz and the Baroque*. University of Minnesota Press.
35. Diba, D. (2012). Contemporary architecture of Iran. *Architectural Design*, 82(3), 70-79. <https://doi.org/10.1002/ad.1406>
36. Diba, D., & Dehbashi, M. (2004). Trends in modern Iranian architecture. *J Iran Archit Chang Soc*.
37. Erjavec, A. (2024). Why architecture in post-modern times? Art, philosophy, and ideology. *Brill*.
38. Feizbahr, M., & Pourzanjani, P. (2023). The evolution of architectural styles: From modernism to postmodernism. *Journal of Review in Science and Engineering*.
39. Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1994). Competing paradigms in qualitative research. *Handbook of qualitative research*, 2(163-194), 105.
40. Harries, P., Lipman, A., & Purden, S. (2024). Meaning in architecture: Post-modernism, hustling and the big sell. In *Environmental perspectives*. Routledge.
41. Kamali, M. (2024). The interaction of history and modern thought in the creation of Iran's architecture by investigating the approaches of past-oriented architecture. *Frontiers of Architectural Research*, 13(3), 459-486. <https://doi.org/10.1016/j.foar.2024.01.003>
42. Reza Shirazi, M. (2018). *Contemporary architecture and urbanism in Iran*. Cham: Springer. <https://doi.org/10.1007/978-3-319-72185-9>

Qualitative analysis of the components affecting Iran Contemporary Architecture; Emphasizing the period of transition from modernism to postmodernism

Amir Davood Maslahatjoo¹

Maryam Ghasemi Sichani ²(corresponding author)

Vahid Ghobadian ³

Bijan Abdolkarimi ⁴

Abstract:

The persistent interplay between tradition and modernity continues to shape Iranian society, a phenomenon made more complex by rapid socio-cultural transformations in the country's contemporary era. Within this context, Iranian architecture has experienced substantial shifts, particularly evident in its transition from traditional paradigms to modernist and postmodernist approaches. The simultaneous influence of traditional values, modernist aspirations, and postmodernist critiques has resulted in a heterogeneous and often ambiguous architectural landscape, reflecting an ongoing crisis of identity not only in architectural forms but also at the societal level.

This study adopts a rigorous qualitative methodology to explore the historical and sociocultural factors influencing the evolution of contemporary Iranian architecture. Through historical analysis, the research identifies distinct transitional periods and examines the dialectic between continuity and change. Data were collected through comprehensive literature reviews, archival documents, and close analysis of seminal architectural works from different eras.

A central component of the methodology is **thematic coding**, which was employed in the analysis phase. After collecting qualitative data, key segments of text were examined and open coding was applied to label meaningful units, allowing for the emergence of themes related to identity, hybridity, authenticity, contextualism, and adaptation. Axial coding was subsequently used to explore relationships and patterns among these themes, thus providing deeper insight into how various internal and external influences interact to shape the architectural discourse in Iran.

The findings reveal that, while there have been periodic attempts to return to local roots and cultural authenticity, the influence of global trends and postmodernist theories has complicated the pursuit and expression of a cohesive cultural identity in architecture. The ongoing tension between incorporating imported models and reinforcing indigenous traditions is highlighted as a key challenge.

Ultimately, this research underscores the importance of qualitative approaches and systematic coding in unpacking the multi-layered discourse of identity, offering a nuanced understanding of how contemporary Iranian architecture continues to navigate continuity, change, and the negotiation of meaning.

Keywords: Tradition, modernity, Postmodernism, Transition period, Iran Contemporary Architecture

¹ Department of Architecture, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran.

² Department of Architecture, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. (ghasemisichanimaryam@gmail.com)

³ Department of Architecture, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

⁴ Department of Philosophy, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.